

اصول و راهکارهای حلال بینی رسانه‌ای در فضای مجازی؛ مورد مطالعه کاربران جوان ایرانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲

مرتضی محقق ورسی *

چکیده

امروزه شبکه اینترنت بطور گسترده در میان زندگی همه انسان‌ها، به ویژه جوانان تار گسترانیده و فضای مجازی را بعنوان جزئی از زندگی نوین بشری معرفی و به ثبوت رسانیده است. در واقع اینترنت، رسانه‌ای است که با زندگی روزمره، به شیوه‌های نامانوس تقاطع می‌یابد و فضای مجازی را بر روی آن گشوده است. با توجه به گسترش تلفن‌های هوشمند در قشرهای مختلف جامعه مخصوصاً جوانان، این فناوری در کنار خدماتی که در اختیار کاربران چون امروزی ارائه می‌کند، گاهی اخلاق اجتماعی او را تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث نگاه حرام به تصاویر و فیلم‌های غیراخلاقی می‌شود. حال می‌خواهیم بدانیم اصول و راهکارهایی حلال‌بینی رسانه‌ای در فضای مجازی در بین کاربران جوان ایرانی چیست؟ از آن‌جا که هدف این تحقیق کشف انگیزه کاربران از این نوع نگاه و ارائه سازوکار مناسب برای نگاه حلال بود از روش پدیدار شناسی استفاده کردم، زیرا این روش، روشی است که از طریق آن می‌توان پدیده‌های انسانی را بدون در نظر گرفتن علت‌های آن و به همان صورتی که در واقع اتفاق می‌افتد تجربه کرد و سپس از طریق تحلیل، معانی آن را آشکار کرده و از آن آگاه شد. ابتدا اصولی را تحت عنوان اصول حلال‌بینی از کتاب دین‌الحياء طاهرا عبدالرحمن اخذ کردیم، سپس از طریق مصاحبه عمیق به کشف علل حرام‌بینی کاربران پرداختیم و پس از یافتن علت اصلی حرام بینی (وسوسه) به بیان راهکار مناسب در برابر نگاه حرام در فضای مجازی پرداختیم که عبارت است از مبارزه و جلوگیری کردن کاربر فضای مجازی در برابر وسوسه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: فضای مجازی، حرام‌بینی، حلال‌بینی، کاربر جوان، نگاه حرام.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
E-mail: m.moghaddam@qom.ac.ir

مقدمه

امروزه فضای مجازی برای استفاده و بهره‌مندی بسیاری از افراد در جوامع اطلاعاتی، از کتابخانه‌های تخصصی، دانشگاه‌ها مجازی، خبرگزاری‌ها، جستجوی علمی و آرشیوهایی که به آسانی نمی‌توان در فضای فیزیکی و واقعی به آنها دست یافت، جایگزین بسیار مناسب و سهل الوصولی می‌باشد. علاوه بر بحث منابع اطلاعاتی، فضای مجازی تسهیلات فراوان و بی‌نظیری در زندگی معاصر، مخصوصاً در زمینه‌ی بسط ارتباطات انسانی داشته است که در طول تاریخ بی سابقه است. تسهیلاتی کم هزینه و در دسترس که توسط آن می‌توان مرزها، محدودیت‌ها و هزینه‌هایی مانند زمان و مکان را کنار زد و بی‌دغدغه با هر انسان دیگر دلخواه ارتباط برقرار کرد. به همین دلیل بیشتر اوقات روزمره‌ی بسیاری از جوانان امروزی در فضای مجازی سپری می‌شود.

وانگهی فضای مجازی علی‌رغم تسلط‌گریزناپذیر، آسیب‌های انکارناپذیری نیز به همراه آورده است. آسیب‌هایی که هر از گاهی زندگی شیرین را در کام بسیاری از کاربران تلخ می‌کند. قماربازی، سرقت اطلاعات شخصی، ناهنجاری جنسی، طلاق عاطفی و کلاهبرداری بخشی از آن آسیب‌هاست. در جامعه اسلامی نسبت به تمام آسیب‌های موجود در فضای مجازی حساسیت وجود دارد، و در این میان حساسیت نسبت به ناهنجاری‌های اخلاقی و جنسی بیش از همه به چشم می‌خورد. دلیل آن روشن است؛ زیرا ناهنجاری جنسی و اخلاقی کیان خانواده، عفت همگانی و سلامت اجتماعی را نشانه می‌رود. در این میان شبکه‌های اجتماعی که می‌توانند بعنوان شاخه‌ای کارآمد از فضای مجازی ایفای نقش کنند و خدماتی مفید را نصیب کاربران داشته باشند، همچون شمشیری دودم عمل کرده و گاهی محیطی امن برای ارتباطات نامناسب و تهیه و انتشار محتواهای غیر اخلاقی، مهیا می‌کنند.

پس این فناوری نوین در کنار خدماتی که در اختیار انسان جوان امروزی ارائه می‌کند، می‌تواند روابط و اخلاق اجتماعی او را نیز تحت تاثیر قرار دهد و او را با مسائل و چالش‌های جدیدی روبرو سازد. چالش‌هایی که از نگاه دینی نمی‌توان براحتی از کنار آن‌ها گذشت و بر روی آن‌ها صحّه گذاشت، چرا که برخی از آنها با ارزش‌های اسلامی در تعارض‌اند. اگر نگاهی به قرآن کریم هم بیندازیم، بارها اشاره شده است که حتما باید ایمان را با عمل صالح همراه کنیم چرا که رستگاری واقعی در سایه‌ی این دو مهم می‌باشد^۱ و لذا همین نکته، نزدیک به هفتاد بار در قرآن تاکید شده است. پس این یک معضل است که خیلی‌ها به دانسته‌ها عمل نمی‌کنند. در واقع زیاد دانستن و عمل نکردن عین ندانستن است، یعنی اگر امروزه هزار گزاره‌ی علمی معرفتی وجود دارد، و وضع بشر هنوز در برخی ابعاد انسانی نگران‌کننده است، بخاطر این است که او به دانسته‌هایش عمل نمی‌کند. حال با توجه به اینکه امکان نگاه حرام در فضای مجازی به سهولت فراهم شده و کاربر با کمترین هزینه و مانع می‌تواند آن را انجام دهد، بحث ما به این سو منعطف می‌شود که غالباً کاربر رسانه در فضای مجازی به این مطلب معرفت دارد که محتوای پیش رویش غیر اخلاقی است ولی چشم از آن برنمی‌دارد و آن را دنبال می‌کند؛ و این نقطه‌ای است که چالشی جدی را در فضای مجازی ایجاد نموده است.

اما ماهیت اخلاقی - ارزشی بودن جامعه دینی اقتضا دارد که کاربران جوان از حیث اخلاقی تربیت شوند. ارتقاء سطح اخلاق کاربران نیازمند راهبردها و راهکارهای علمی و عملیاتی است، بنابراین لازم است بررسی شود که چگونه می‌توان قدرت دفاعی جوانان را در مقابل آسیب‌های فضای مجازی تقویت کرد؟ چگونه می‌توان از میزان نگاه حرام جوانان به تصاویر غیر اخلاقی جلوگیری نمود؟ چگونه می‌توان کاربرانی عقیف تربیت نمود؟ چه عواملی باعث می‌شود که جوانان گاهی به

۱. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» بقره ۸۲.

سمت وسوی تصاویر و فیلم‌های مستهجن کشیده شوند؟ دین چه اهمیتی را برای مسأله‌ی حلال بینی و حفظ چشم‌ها از آلودگی و ناپاکی‌ها قائل است؟ بعبارت دیگر باید پرسید دین اسلام چه اصول و راهکارهایی برای حفظ کاربران جوان خود در برابر نگاه حرام در فضای مجازی دارد؟

آسیب‌های فضای مجازی در آینه پژوهش

بدون تردید از بدو تولد شبکه تارگستر جهانی (اینترنت) یکی از نگرانی‌ها، پیامدهای ناخواسته و منفی آن بوده است. در ایران نیز از زمان فراگیر شدن دسترسی به اینترنت و اوج گرفتن ارتباطات انسانی در فضای مجازی در قالب شبکه‌های اجتماعی، مدام کارشناسان و محققان بر این مسئله تاکید می‌ورزیدند که روی دیگر سکه فضای مجازی و امکانات سایبری، آسیب‌هایی است که کاربران خود را در گام نخست و تمام جامعه را در گام دوم تهدید می‌کنند. به همین علت در چند سال اخیر پژوهش‌هایی با محوریت آسیب‌های فضای مجازی انجام شده است که هر کدام به جنبه‌ای از این آسیب‌ها پرداخته است.

دسته‌ای از پژوهش‌ها بر نقش آموزش و تعلیم و تربیت تاکید داشته‌اند، مانند مقاله‌ی «تبیین نقش آموزش مبتنی بر تعلیم و تربیت اسلامی در پیشگیری از آسیب‌های فردی- روانی فضای سایبری» (نائب‌پور، تابستان ۱۳۹۵، ص. ۹-۳۶) و مقاله‌ی «پیشگیری در جرایم سایبری» (علمداری، تابستان ۱۳۸۹، ص. ۷۳-۹۱) و نیز پایان‌نامه‌ی «بررسی تاثیر سواد رسانه‌ای بر آسیب‌های فضای مجازی» (آقاجانی، ۱۳۹۱) که مهارت سواد رسانه‌ای به عنوان مهارتی خودکنترل‌گر مورد بررسی قرار داده است. مقاله‌ی «ارتباط عقیفانه در شبکه‌های اجتماعی- سایبری» (شرف‌الدین، ۱۳۹۳، ص. ۷-۳۶) در پژوهشی کیفی، بیان می‌کند که دانشجویان مورد تحقیق، زمینه‌های ارتباط عقیفانه را عواملی مانند تربیت خانوادگی، پایبندی به دین و تاثیر استادان دانشگاه می‌دانند. مقاله‌ی «اثر بخشی آموزش مهارت خودآگاهی

در کاهش اعتیاد به اینترنت، احساس تنهایی و افزایش خودکارآمدی» (سواری، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۳-۱۷۹) نیز اشاره می‌کند که با آموزش مهارت خودآگاهی می‌توان بسیاری از عادت‌های ناپسند را کم و عادت‌های مناسب را تقویت کرد.

دسته‌ی دیگر این قبیل پژوهش‌ها بر اجرای فیلترینگ و اجرای ضمانت‌های اجرایی اشاره کرده‌اند، مانند «جرم در فضای مجازی، ضرورت آینده پژوهی» (عابدینی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۴-۱۵۶)، مقاله‌ی «نظارت همگانی عامل پیشگیری جرایم در فضای مجازی» (جلالی، ۱۳۸۹، ص. ۶-۳۰)، مقاله‌ی «پیشگیری اجتماعی از جرایم سایبری، راهکاری اصلی برای نهادینه سازی اخلاق سایبری» (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۷، ص. ۱۰-۱۹)؛ و مقاله‌ی «راهکارهای صیانت از خانواده در برابر آسیب‌های فضای مجازی» (فجرى، ۱۳۹۶، ص. ۶۱-۸۴) که یکی از راه‌های حفظ فرزندان از آسیب‌های اجتماعی فضای مجازی را، کنترل اخلاقی خانواده در برابر این پیامدها می‌شمارد، همچنین برخی از راهکارها را در سطحی بالاتر از خانواده، یعنی راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، و مطالبه‌ی مدیریت اسلامی - ایرانی فضای مجازی از مسئولان می‌داند.

سوی از دو دسته پژوهش مذکور، می‌توان به مقاله «فقه نگاه به رسانه‌ی جمعی تصویری» (میرخندان، ۱۳۹۰، ص. ۳۹-۶۳) اشاره داشت. این تحقیق نگاه به تصویر در فقه شیعه را ذیل احکام النظر بررسی کرده و از تصویر به مثابه‌ی رسانه‌ای جمعی و دارای مخاطب انبوه سخن گفته است. همچنین در این مقاله دلایل یکسانی احکام نگاه به تصویر با احکام نگاه به صاحب تصویر بررسی می‌شود و بحث‌هایی در دو حوزه منظور الیه و نظر به میان می‌آید.

اما پژوهش پیش رو کمی جزئی‌تر از کارهای انجام شده بوده و با توجه به اینکه نظریه‌ی طاها عبد الرحمن را بعنوان چارچوب نظری برگزیده است، به بررسی اصول و سازوکارهای نگاه حلال در این کتاب پرداخته و به تبدیل کردن کاربر فضای مجازی

به فردی مُشاهد تأکید دارد چرا که چنین فردی، انسانی عقیف خواهد بود که عالم را محضر خدا می‌داند.

ادبیات نظری

نظریات غربی

فوکو: گفتمان و جامعه نظارتی

نظریات میشل فوکو^۱ دارای طیف وسیع و گسترده‌ای است و اگرچه بطور خاص به ارتباطات و رسانه‌ها مربوط نمی‌شود، اما نظریه او درباره‌ی گفتمان^۲ و نسبت آن با نظارت و آنچه او سراسر بینی می‌نامد، در فهم عملکرد رسانه‌ها در جامعه مدرن، نظریه‌ای کارآمد و موثر است.

فوکو می‌گوید گفتمان یک مکانیزم حذف و طرد است که قدرت و دانش را به آن ایده‌هایی اختصاص می‌دهد که مورد پذیرش هستند. گفتمان آن ایده‌ها را در لحظه‌ای از زمان حاضر می‌سازد و همزمان نسبت به حذف‌شدگان و غایبان، اعمال قدرت و دانش می‌کند. فوکو گفتمان را اینگونه تعریف می‌کند که عبارت است از نوعی نظام دلالت، تحت هدایت قواعد و ساختارهایی که طی آن، معانی متفاوت آن نظام، طبقه‌بندی و توزیع می‌شود. مثلاً مردم در طی زمانهای طولانی می‌توانند با صورت‌بندی گفتمان خوبی و مقایسه ایده‌های خود با گفتمان شر که در جای دیگر وجود دارد، قدرت بدست بیاورند.

بخش دیگر از شیوه اعمال قدرت و کنترل بر افراد، مراقبت است که بهترین مثال برای فوکو طرح نظریه سراسرینی است. سراسر بینی اشاره به وجود برج مراقبت و نگهبانی در وسط زندان جهت مشاهده‌ی زندانیان در سلولشان توسط نگهبانان زندان

1. Michel Foucault.
2. Discourse.

دارد. هر سلول دو پنجره دارد، یکی به سمت داخل و رو به پنجره‌های برج، و دیگری رو به بیرون، چنانکه نور خورشید سرتاسر سلول را در می‌نوردد. بر اثر تابش نور از پشت به سلول‌ها، می‌توان از برج که کاملاً رو به نور است، سایه‌های کوچک زندانی در سلول‌هایشان را در نظر داشت. به تعداد سلول‌ها نمایش‌هایی کوچک برپاست که هر نمایش تنها یک بازیگر دارد، بازیگری که کاملاً فردیت یافته و پیوسته در معرض دید است. زندانی دیده می‌شود اما نمی‌بیند. از آنجایی که زندانیان قادر به مشاهده نگهبانان نیستند احساس می‌کنند دائماً تحت نظارت و مراقبت هستند و بنابراین به شیوه‌ای منضبط عمل می‌کنند. قدرت انضباطی از طریق نامرئی بودن اعلام می‌شود همچنان که همزمان بر آنهایی که الزاماً در معرض دید هستند، تحمیل می‌شود.

همه‌ی اینها چه ارتباطی با نظریه‌ی رسانه‌ها دارد؟ شاید از همه مهمتر فوکو معتقد است که مکانیزم سراسر بین نظارت (مراقبت) به فراسوی دیوارهای زندان به آنچه او جامعه نظارتی می‌نامد بسط یافته است. بنابراین رسانه‌ها نیز همانند زندان و دیگر نهادهای قدرتمند اجتماعی، کارکرد سراسر بینی دارند. نهادهای رسانه‌ای همانند بیمارستانها، مدارس و دیگر دستگاه‌های دولتی، قدرت را از طریق گفتمان پخش و توزیع می‌کنند، گفتمان‌هایی که ما آنها را درونی سازی می‌کنیم و به عنوان حقیقت می‌پذیریم. (لافی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۷)

در واقع نظریه‌ی سراسر بینی فوکو بیان می‌دارد که نگهبان یا ناظری پیوسته، کاربران اینترنت را تحت نظر داشته و اگرچه کاربران این کنترل‌کنندگان را نمی‌بینند، و به آنها دسترسی ندارند اما مدام از جانب آنها تحت نظارت و مراقبت هستند. بنابراین باید به شیوه‌ای منضبط عمل کنند. این قدرت نظم دهنده‌ی نامرئی همیشه بر کاربران اعمال قدرت و سیطره خواهد داشت و اینچنین گفتمان نظم را بر کاربران رسانه حاکم می‌شود. از دیدگاه فوکو نظریه‌ی سراسر بین و نظارت نامرئی می‌تواند کاربری تربیت کند که در فضای مجازی بطور متعارف عمل کرده و سراغ محتواهای غیر اخلاقی

نرود. اما بنظر می‌رسد کاربر امروزی وقتی خود را بطور کامل در فضای مجازی غرق می‌بیند که در خلوتگاه خود، هیچگونه کنترل انسانی و حکومتی را بر اعمال خود در فضای مجازی می‌بیند، یعنی خود را در این فضا بدون ناظر و آزاد از هرگونه بیننده می‌داند.

مالوی: نگاه خیره مردانه

مالوی در نظریه نگاه خیره مردانه^۱ مدعی است که شخصیت‌های مرد در فیلم‌ها حاملان نگاه هستند که با هدف به دست آوردن لذت جسمی از فرمان برداری جنسی شخصیت زن خلق می‌شود. علاوه بر این تماشاگران مذکر، فیلم‌های سینمایی را از منظر قهرمان مذکر و مسلط فیلم تماشا می‌کنند و بطور تلویحی به آنها القا می‌شود که ما مردان تمایل به لذت بردن از جنس مخالف داریم. برای فهم این نظریه ما باید دو ویژگی مهم تجربه سینمایی که مالوی از وانکاوی وام گرفته را بشناسیم.

نخست مفهوم لذت بصری است که به معنی لذت بردن از طریق نگاه کردن است. مالوی معتقد است که قواعد سینما و زمینه‌های به نمایش درآمدن فیلم (یعنی سالن‌های تاریک)، باعث ترویج حس فانتزی نظر بازانه در تماشاگر می‌شود. سینماهای هالیوود ارائه دهنده لذتهای بصری است که بیشتر مختص بینندگان مذکر است تا مونث. بنابراین نوع لذت بصری ایجاد شده توسط سینمای کنونی جنسیتی و جنسی است.

دومین ویژگی سینما که مالوی آن را بررسی کرد، مفهوم هویت است. مالوی ایده‌های لاکان را در مورد تماشاگران سینما بکار برد. او معتقد است کارکردهای صفحه نمایش سینما برای تماشاگران مشابه کارکردهای آینه برای کودکان است. تماشاگران به شناسایی هویت خود با شخصیت‌های روی صحنه تشویق شده و تصور می‌کنند که این شخصیت‌ها بازتاب برتر از خودشان است. قهرمانان مرد تبدیل به

1. Male gaze.

شخصیت اصلی کنترل‌گری می‌شوند که تماشاگر با آن می‌تواند هویت خود را شناسایی کند. تماشاگر زن نیز همانند مردان ملزم به هویت پیدا کردن با این شخصیت کنترل‌گر و مسلط مردانه می‌شوند. این همان منظور مالوی از موقعیت مسلط مذکر است. (لافی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۸)

در واقع مالوی می‌خواهد آن نگاه مسلط مذکر را مورد نقد قرار دهد و یک تساوی در موقعیت مرد و زن ایجاد کند تا دیگر نوع نگاه‌هایی که به سمت صفحه نمایش متمایل می‌شود، نگاه برتری جویانه‌ی مردان نسبت به زنان نباشد، بعبارت دیگر مالوی می‌خواهد زنان مخاطب منفعل نباشند و همانند مردان، مخاطبینی فعال باشند. اما ما بدنال این هستیم تا به مخاطب نگاهی الهی بدهیم تا او علاوه بر شاهد دانستن خداوند، فقط او را برتر از همه ببیند و موقعیت هیچ کس از دیگری برتری نداشته باشد؛ نگاهی که هدف آن دیگر لذت بصری محض نیست، بلکه نگاهی است که توسط آن مخاطب، پیوسته لذت حضور خداوند را داشته باشد.

نظریه اسلامی

طه عبدالرحمن: نظریه‌ی تفرّج (عبدالرحمن، ۲۰۱۷، ص. الفصل الثالث)

طه عبدالرحمن می‌گوید از آنجا که یکی از وجوه شهرنشینی معاصر نگاه کردن است، تا جایی که انسان در این شهرنشینی به وضعیتی که سابقه نداشته گرفتار می‌شود. در آفت تفرّج، انسان معاصر از حالت نگاه‌کننده‌ی صرف، به حالت تفرّج درمی‌آید. متفرّج کسی است که تصاویر را واسطه‌ای می‌داند که از طریق آن به ذات شیء پیوند می‌خورد، تا جایی که انگار چیزی مگر تصاویر وجود ندارد. گویی خاصیت دیدن برای چشمش با خاصیت لمس کردن قرین شده و پیوند خورده است و به تصاویر حالت اشیاء ملموسه بودن را اضافه می‌کنند. این علاقه‌ی خاص به تصاویر، آثار سلبی را به قدرتهای جسمی، فکر و نفسی وارد می‌کند. همچنین باعث می‌شود خیال به بمنزله‌ی واقع و وهم بعنوان واقعیت پنداشته شود، لذا متفرّج تصویر را بر خبر مقدم می‌کند و آن

را به جایگاه اشیاء مصوّر می‌رساند، و بلکه مقدم بر آن می‌کند. و نیز این شهوت در نگاه کردن نزد متفرج با دو شهوت دیگر پیوند می‌خورد: اول شهوت جنسی است که متفرج با آن، از طریق نگاه کردن به سوی تصاویر استمتاع می‌کند، همانند استمتاع متلصّص با نگاه کردن به مصوّرات، بلکه همانند استمتاع کسی که به شهوتش می‌رسد و خواسته اش با آن تصویر برطرف می‌شود. دوم: شهوت ظلم و بی‌رحمی که خشونت را که متفرج در روی صفحه نمایش از لحاظ شکل و محتوا با آن ممارست داشته را به سوی تعامل با دیگران نقل می‌دهد، و آنها را آزار می‌دهد همانطوری که هجوم تصاویر بسیار آنها را مورد آزار قرار می‌دهد، و انسانیت آنها را از بین می‌برد، کم‌اینکه که پستی مضامین آن تصاویر، انسانیت خود متفرج را از بین برده است. بنابراین متفرج ناظر بی‌جانی خواهد بود که حیاء و امانت خود را از دست داده است، در حالی که حیاء اساس زندگی بوده و همان چیزی است که قلب انسان با آن حیات دارد.

ایشان برای حل مشکل تفرّج مخاطب، ابتدا به بررسی راهکاری با عنوان فقه ائتماری می‌پردازد (یعنی فقهی که در آن با مخاطب به صورت دستوری و فرمایشی برخورد می‌شود)؛ و می‌فرماید فقیه ائتماری حتماً باید با ظاهر تفرجی که جوامع انسانی را تهدید می‌کند، روبرو شود، زیرا اسباب تفرج با وسائل اتصال و ارتباطات، آشکارا به جنگ این جوامع می‌روند. این تفرج به وضوح وجود ارزشی را که تمام اخلاق با آن بنا می‌شود را تهدید می‌کند، و آن ارزش حیاء است. فقیه ائتماری باید سهمی را برای دفع ضرر فاحش از انسان معاصر بر عهده بگیرد، چه برسد به دفع ضرر از انسان مسلمان. حال آیا فقیه در بازداشتن انسان معاصر به تفرج و حفظ صفت مشاهد برای او موفق خواهد شد؟ اما بعد از بیان موضع‌گیری‌های فقیه ائتماری، نتیجه می‌گیرد که راهی که فقیه ائتماری در پیش گرفته است نمی‌تواند انسان رها شده را از ویژگی‌هایی که به درون او رخنه کرده است نجات دهد. زیرا راه او فقط به استنباط احکام دستوری بسنده می‌کند که می‌خواهند اراده‌ی او درهم بشکنند و به صدور

فتاوی می‌انجامد که فقط جنبه صرفی دارند و به عمل نمی‌انجامند و نمی‌توانند رفتار او را تغییر دهند، از این رو امیدی نیست که فقه دستوری بتواند انسان معاصر را از حالت خیانت به حالت امانت‌دارانه‌ای که دارای حیاست، منتقل کند.

سپس عبدالرحمن به بیان فقه ائتمانی می‌پردازد (یعنی فقه امانت‌دارانه و ایمانی)؛ و می‌گوید: فقیه ائتمانی یا مربی با متفرج ارتباط سه‌گانه‌ی اساسی دارد: «ائتمان» و «عمل» و «إبصار». یعنی بین فقیه و متفرج فضایی شکل می‌گیرد که هم ایمانی است و مسئولیت اصلی او را متذکر می‌شود، هم عملی است و واجبات متفرج را متذکر می‌شود و هم بصری است و آداب حضور را متذکر می‌شود.

از طرفی متفرج برای بقاء بر طغیان چشمش تلاش می‌کند؛ زیرا اولاً خود را دارای استقلال در اراده دانسته و لذا اوامر دیگری را قبول نمی‌کند و خود را قادر بر تدبیر شئون می‌داند. ثانیاً او خود را دارای عقل می‌داند و نمی‌تواند قبول کند که کسی بجایش فکر می‌کند زیرا خود را در تفکر برای خودش، صاحب حق می‌داند. در این حالت فقیه ائتمانی با ارشادات خود، یکدفعه با متفرج برخورد نمی‌کند، کما اینکه فقیه ائتماری با احکام و فتاوی‌های خویش چنین می‌کند؛ بلکه با عمل و حضور خود، کم‌کم به او نزدیک می‌شود و خصوصیات نفسانی متفرج را رعایت می‌کند، و به تدریج نفس او را برای ارشادات خود آماده می‌کند؛ و در این آماده‌سازی بر «استقلال اراده» و «استعمال عقل» متفرج احترام می‌گذارد. اما در واقع متفرج نه استقلال اراده دارد و نه استعمال عقل، چرا که او اولاً اسیر تصاویر است و این تصاویر است که مالک نگاه متفرج هستند؛ و بدیهی است که هیچ اراده‌ای با وجود اسارت وجود ندارد، و لذا متفرج ظالم به نفس خویش می‌باشد. و همچنین او از حقیقت نفس خویش آگاه نیست، چرا که تصاویر فقط ظاهر اشیاء را نشان می‌دهد و متفرج تمام حقیقت را به ظاهر اشیاء نسبت می‌دهد در حالی که ما نیاز داریم که باطن اشیاء را بشناسیم؛ و بدیهی است که هیچ عقلی با وجود عدم معرفت وجود ندارد، پس متفرج جاهل

بنفس خویش می‌باشد. به این ترتیب بر دو امر سابق، دو نتیجه‌ی متناقض حاصل می‌شود. ولی فقیه ائتمانی با وجود ظلم و جهل متفرج به نفسش بخاطر حکمتی به او سخت نمی‌گیرد بلکه به اندازه‌ی نیاز بر او آسان می‌گیرد، و لذا او را از امکان حفظ دو چیز قیمتی که بارها آن دو را صدا زده است، نا امید نمی‌کند: «اراده‌ی آزادانه» و «عقل نتیجه دهنده». و با توجه به اینکه ارتباط فقیه ائتمانی با متفرج، ارتباط بصری حضوری است، واجب است که ناظر از صفت متفرج به صفت مُشاهد بطور عملی انتقال یابد، و البته نمی‌توان تمام احکام این منازعه را یک دفعه بر متفرج تحمیل نمود، چرا که در اینصورت متفرج هر کدام از این احکام را که می‌خواهد اخذ کرده و مابقی را رها می‌کند. پس در این طریق عملی فقیه بتدریج با عمل یا اعمالی (به اندازه طاقت متفرج) به او اشاراتی را خواهد داشت، در حالی که مراقب آثار اعمال در نفس و سلوک بصری متفرج می‌باشد تا اینکه او را به عمل یا اعمالی نقل می‌دهد که منازعه و اختلاف با مصوّر اعلی (جل جلاله) را ترک می‌کند؛ و او را راهنمایی می‌کند به عملی بعد از عمل دیگر، تا اینکه از صفت تفرّجش جدا شده و وصف مشاهده را به خود بگیرد. اما برای اینکه بتواند او را به رتبه‌ی مشاهده برساند باید او را از صفات شش‌گانه‌ای که برای تفرّج بیان شد، خارج کند. بنابراین فقیه ائتمانی که از او بعنوان مربّی یاد کردیم، یک راه روشنگرانه‌ای را در پیش می‌گیرد که از آن طریق ارتباط زنده و پیوسته‌ای را با متفرج برقرار می‌سازد و با ملاحظات رفتاری و ظاهری در سلوک خویش، به معالجه آفات باطنی وی از انحرافاتش می‌پردازد. فقیه ائتمانی راه متفرج بسوی آفات را با کیفیات خاصی محدود می‌کند، بطوری که به تدریج او را از رتبه‌ی متفرجی که حیاتی ندارد به رتبه‌ی مشاهده‌ی که حیاء از شاهد اعلی بر قلبش حاکم گشته ارتقا می‌دهد، و اینچنین است که فقیه ائتمانی بر نقل انسان معاصر از حالت خیانت به حالت ائتمان توانا تر از دیگران است.

اصول حلال بینی

در این مجال به ذکر اصول النظر الائتمانی می‌پردازیم، یعنی مواردی که می‌توان از آن به اصول و مبادی حلال‌بینی در نظام ارزشی اسلام یاد کرد. اصول حلال‌بینی از باب یکم از جلد اول کتاب دین الحیاء اخذ شده است و تحت عنوان اصول النظر الائتمانیة بیان شده است. در واقع این اصول بیان خواهند کرد که چگونه می‌توان شاهدیت الهی را درک کرد و به مقام شاهدیت رسید. به همین خاطر عنوان این باب «من الأمریة الالهیة الی الشاهدیة الالهیة» نهاده شده است. اصولی که با رعایت آن‌ها می‌توان کاربری حلال‌بین تربیت کرد.

ادراک مُلکی و ملکوتی (عبدالرحمن، دین الحیاء، من الفقه الائتماری الی الفقیه الائتمانی ۱، ۲۰۱۷، ص. ۳۳)

انسانی که رتبه‌اش بر حیوان ارتقا یافته، ضرورتاً وجودش با دو عالم ارتباط دارد: عالم مرئی که مربوط جسم انسان است و در این عالم به جسم انسان از جهت اتصالش به روح، اسم بدن اطلاق می‌شود؛ و عالم غیب که مربوط به روح انسان است. ما لفظ وجود را بخاطر دلالت بر بودن در عالم مرئی و لفظ تواجد را بخاطر بودن عالم غیب قرار دادیم. در اینجا از عالم مرئی عالم مُلک و به عالم غیبی به عالم ملکوت تعبیر می‌کنیم. منظور از عالم ملک عالمی است که با ادراک حسی درک می‌شود و منظور از عالم ملکوت عالمی است که ممکن است در آینده و یا حال به طریقی شهود شود، اگر چه الان امکان آن فراهم نباشد. «وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»^۱. در اینجا باید به دو نکته اشاره کرد.

اول اینکه ادراک مُلکی سیر است و ادراک ملکوتی عروج است: (عبدالرحمن، دین الحیاء، من الفقه الائتماری الی الفقیه الائتمانی ۱، ۲۰۱۷، ص. ۳۴)

اصل در اتصال انسان به عالم بگونه‌ای است که هرگز نمی‌تواند در مکانی یا مقامی توقف کند، بلکه از مکانی به مکان دیگر یا از مکانی به مکان دیگر سیر می‌کند. همچنین کسی که در عالم غیب است دارای سیر می‌باشد، طوری که ارتباط انسان با پروردگارش ارتباط سیرگونه است، زیرا او به سمت پروردگارش حرکت کرده «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّدِينَ»^۱ و با نور او راه می‌رود «أَوْ مَن كَانَ مِيثًا فَأَخِينَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُينٌ لِّلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲.

البته باید دقت داشت که سیر در این دو عالم یکسان نیست، لذا مشی به نور مانند مشی بر زمین نخواهد بود. چراکه سیر کردن در عالم مرئی عبارت است از انتقال جسم زنده یا بدن بر سطح دنیا درحالی که سیر در عالم غیب عبارت است از انتقال روح در نردبان این عالم. بعبارت دیگر انتقال بر سطح انتقال افقی محدودی است که فقط لفظ الاسراء به آن اختصاص دارد ولی انتقال در نردبان، انتقال عمودی و نامحدود است که لفظ عروج به آن دلالت می‌کند. بنابراین سیر در عالم مرئی عبارت است از اسراء و سیر در عالم غیبی عبارت است از معراج.

عالم ملکوتی بر عالم ملکی مقدم است: (عبدالرحمن، دین الحیاء، من الفقه الائتماری الی الفقیه الائتمانی ۱، ۲۰۱۷، ص. ۳۸)

عالم غیب محل امر الهی است «اِذَا ارَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۳ و امر الهی بر خلق الهی مقدم است. بعبارت دیگر محل خلق، عالم مرئی و ملکی است یعنی عالم اجسام، و محل امر الهی در عالم غیب و ملکوت است یعنی قبل از نفخ در

۱. صفات آیه ۹۹.

۲. انعام ۱۲۲.

۳. یس آیه ۸۲.

جسم انسانی. به تبع این امر ادراکات ملکوتیه‌ای که روح آنها را بدست می‌آورد نیز بر ادراکات مُلکی که نفس آنها را بدست می‌آورد مقدم است.

خلاصه سخن اینکه در اتصال بین ادراک ملکوتی و ادراک ملکی، ادراک اول بر ادراک دوم تقدّم منطقی و وجودی دارد. و این تقدم ادراک ملکی را تابع ادراک ملکوتی قرار می‌دهد.

اولین چیزی که بر انسان واجب شد حصول معرفت بر خالق در تنزیه ذات و اسماء جلاله و اوصاف کمالیه و احاطه بر افعال است. بعد از اینکه انسان نسبت به این حقائق غیبی اولیه معرفت پیدا کرد واجب است که نسبت به اوامر و نواهی شرعی که خالق برای او قرار داده نیز معرفت پیدا کند و به آنها عمل کند چرا که این امور به حقائق الهیه متصل هستند و حفظ این اسباب ملکوتیه و روحانیه آن چیزی است که موجب صلاح و رستگاری در زندگی انسان شده و عمل بر مقتضای آن انسان را نجات خواهد داد.

ادراک ملکوتی بمنزله مقصدی است برای ادراک مُلکی، یعنی ادراک مُلکی معرفتی است که عمل به آن اراده می‌شود تا بدین وسیله نیل به مقصد که همان ادراک ملکوتی است صورت گیرد.

اسماء الحسنی (عبدالرحمن، دین الحیاء، من الفقه الائتماری الی الفقیه الائتمانی
۱، ۲۰۱۷، ص. ۵۹)

ابتدائاً باید گفت که مثنایق الاشهاد اصل در ادراک کمالات الهیه است و این کمالات الهیه عبارتند از صفات الهیه‌ای که اسماء الحسنی بر آن دلالت می‌کنند. و از آنجایی که اسماء الحسنی جامع تمام کمالات الهی است، منشأ صدور تمام شایستگی‌های عملی است. حال باید بیان کنیم که چگونه ارزشهای اخلاقی که

بواسطه‌ی آنها شایستگی‌های عملی تحقق پیدا می‌کند، از اسماء‌الحسنی اخذ می‌شوند.

یکی از خصوصیات الفاظ اسماء‌الحسنی این است که بی‌نهایتند، بعبارت دیگر اسماء‌حسنی از معانی ملکوتی هستند که عددشان منحصر نبوده و معانی ملکوتی آن نیز بی‌نهایت هستند. و البته بازگشت همه این اسماء (اسماء‌ذات و اسماء‌صفات و اسماء‌افعال) به ذات الهی دارند.

مقصود از اسماء‌الحسنی اسمائی هستند که دلالت می‌کنند بر کمالات حضرت حق و تجلیات آن کمالات در خلق، و بواسطه این کمالات عظمی، انسان به سمت آنچه که بر او واجب شده یعنی قیام به تعظیم و ثنای الهی برانگیخته می‌شود. در حدیث شریف هم داریم که «تَخَلَّقُوا بِاخْلَاقِ اللَّهِ»^۱ که در واقع به این معناست که اسماء‌حسنی خزان با ارزشی هستند و اخلاق انسانی به آن قوام خواهند داشت، یعنی برای متخلق شدن به این اخلاق انسانی و احکام شرعیه باید این اسماء‌حسنی الهی را تحصیل کرد. بنابراین کسانی که اهل ایمان نیستند تنها در ظرف زمانی خاصی و بنابر اضطرار آداب اخلاقی را رعایت می‌نمایند، اما اهل ایمان علی‌الدوام دارای اخلاق اختیاریه هستند و این ظرفیت وجود دارد که تا ابد این آداب را رعایت کنند.

و البته که تخلّق به اخلاق الهی با اسماء‌الهی حاصل می‌شود، پس باید دانست که اسمای حسنای الهی خصوصیتی دارند که در دیگر موارد نیست؛ و آن خصوصیت این است که ارزش‌های اخلاقی مستقیماً از آنها اخذ می‌شوند. و بر هیچ صاحب‌فکری مخفی نیست که ارزش‌های اخلاقی همان معانی روحانی هستند که به انسان داده شده‌اند تا بتواند با روح خود به عالم ملکوت عروج کند و نیز روشن می‌شود ارزشهای اخلاقی همان معانی ملکوتی هستند که انسان آنها را از استمداد اسماء‌الحسنی

بدست آورده است. پس می‌توان گفت که اسماء الحسنی همان خزائن ارزشمندی هستند که قوام ارزش‌های انسانی به آن است.

اسماء الحسنی خزائن ارزشمندی هستند که نهایی برای آنها نبوده و احکام شریعت اسلام بر آنها حمل می‌شود یعنی به واسطه این اسماء الحسنی انسان متخلّق به آداب الهی شده و درجه کمالش ترقی پیدا می‌کند، یعنی مکلف در سایه فقه ائتمانی به ارزش‌های اخلاقی که در ضمن اوامر و نواهی شریعت وجود دارد نظر دارد و سعی در متخلّق شدن به این ارزشها دارد.

آنچه که به وسیله‌ی این اسماء حاصل می‌شود، متخلّق شدن انسان و ترقی او در مدارج کمال انسانی است، بر اساس اینکه اسلام که عبارت است از «اسلام الوجه لله» و معنای آن وصل شریعت به اخلاق است. یعنی تکمیل فقه ائتماری که ناظر به اوامر الهی است، با فقه ائتمانی که به ارزشهای اخلاقی نظر دارد.

روش‌شناسی تحقیق

پس از آنکه اصول حلال بینی را از کتاب دین الحیاء اخذ کردیم، به سراغ جامعه رفته و با انجام مصاحبات و مشاهدات، به واکاوی علل حرام‌بینی پرداختیم تا از این طریق به راهکار مناسب برای حلال بینی برسیم. ما در این تحقیق صحبت‌ها و پاسخ‌هایی که کاربران جوان در مصاحبات خود بیان کرده‌اند و از آنها بعنوان دلیل خود برای مراجعه به مطالب غیراخلاقی دانسته‌اند را بعنوان متن، مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ایم و تلاش کرده‌ایم علاوه بر اصول و راهکارهای حلال بینی در فضای مجازی، به ریشه‌یابی در مورد آفت حرام بینی و تفرّج کاربران هم بپردازیم.

در اینجا آنچه‌ای که طاها عبدالرحمن می‌گوید، ما در کنار عینیت بحث عبدیت را هم مطرح می‌کنیم. لذا می‌گوییم اول باید با چارچوب مفهومی قرآنی شرح دهیم واقعه را، لیبیل بزیم. بنابراین می‌گوییم: بسیاری از انسان‌های معاصر انسانی حلال‌بین

نیستند، انسانی حرام‌بین هستند حالا این تعبیر حرام بین در ادبیات فقهات ما متفرج گفته می‌شود، انسان حلال بین هم مشاهده گفته می‌شود. (عبدالرحمن، ۲۰۱۷، ص. فصل سوم) در اینجا از علم الاجتماع به فقه الاجتماع رجوع کرده‌ایم. علم الاجتماع هم دانستن است، فقه الاجتماع هم دانستن است. البته در اینجا منظور از فقهات، معنای حوزوی آن نیست، بلکه معنای قرآنی آن است یعنی دانستن مبتنی بر ارزش است، دانستی که وظیفه و مسئولیت ما را به ما گوشزد می‌کند، دانستی که در آن قضاوت ارزشی بمعنای خوب و بد باشد. به این نوع دانستن، فقه الاجتماع و یا فقه الارتباط گفته می‌شود. پس فقه الاجتماع افزون بر این که به ما حکم را می‌گوید، چگونگی تحقق آن را نیز به ما یادآور می‌شود. یعنی از سطح جوارح عبور کرده و وارد سطح جوانح می‌شود. مثلاً وارد سطح خُلقیات، اخلاق، ذهنیت، قلب می‌شود. می‌خواهد این سطح را اصلاح کند تا بازتابش در ساحت عمل دیده شود. مثلاً ما دیدن را با چشم انجام می‌دهیم اما چگونگی دیدن را با چشم انجام نمی‌دهیم، با قلبمان انجام می‌دهیم. فقه ائتمانی ناظر به این مطلب است.

از آن جا که هدف این تحقیق کشف چیستی معنای نگاه حرام و انگیزه‌ی کاربران از این نوع نگاه و ارائه‌ی سازوکار مناسب برای نگاه حلال بود از روش پدیدار شناسی^۱ استفاده کردم، زیرا این روش، روشی است که از طریق آن می‌توان پدیده‌های انسانی را بدون در نظر گرفتن علت‌های آن و به همان صورتی که در واقع اتفاق می‌افتد تجربه کرد و سپس از طریق تحلیل، معانی آن را آشکار کرده و از آن آگاه شد.

تعیین روش گردآوری اطلاعات در روش پدیدارشناسی

پیش از این تحقیق، بنده مدت‌ها به گرایشات گروه سنی جوان نسبت به فضای مجازی و تضادهای اخلاقی پیش آمده در این فضا که مسلماً اقتضای جامعه دینی

نیست را دنبال می‌کردم و این رفتار دوگانه در فضای مجازی و خارج از آن، ذهنم را به شدت درگیر کرد. لذا در این تحقیق بر آن شدم تا با روش پدیدار شناسی به توصیف و تحلیل تجربه‌ی زیسته‌ی این گروه سنی پرداخته و با عینک عینیت به بررسی و کشف علل این مسئله پردازم.

با توجه به اینکه در روش پدیدار شناسی باید نحوی مشارکت پژوهشگر در مورد مطالعه روشن شود، باید بیان کنم که در این تحقیق از مشاهده‌ی مشارکتی^۱ استفاده کردم. گانز^۲ مشاهده‌ی مشارکتی را اینگونه تعریف می‌کند: «به مفهوم سنتی اصطلاحی است که برای توصیف مهارت حرفه‌ای تجربه‌کردن و ثبت رخدادها در محیط‌های اجتماعی بکار می‌رود.» (لیندلف و تیلور، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۸) «چون تنها از طریق ارتباط می‌توانیم به دنیای انسانی دیگر وارد شویم، عمیقاً به گفتگوی مردم‌نگارانه نیازمندیم تا بتوانیم با آزمودنی‌های خود دنیایی از ذهنیت‌های مشترک بسازیم و تفاوت‌های دنیای خود و آنان را درک کنیم.» (لیندلف و تیلور، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۵) از آنجا که اعتبار مشاهده‌ی مشارکتی ناشی از حضور پژوهشگر در عرصه است، حضور در بین جوانانی که به حرام بینی در فضای مجازی می‌پردازند باعث درک بهتر فضای ذهنی و بینش آنها شده و مطمئناً به درک نتایج قریب به واقع هم کمک کرد. لذا تلاش کردم خود را یکی از سایر کاربران جوان‌رها از هر بند تلقی کرده و مانند یک کنشگر متفرج در بین آنها حضور یافته و مشاهدات خود را ثبت نمایم.

همچنین در این روش برای گردآوری اطلاعات، مصاحبه^۳ را بکار بردم تا بینم افراد چگونه معانی را برای پدیده‌ی تفرج ایجاد می‌کنند. زیرا پژوهشگر کیفی علاوه بر مشاهده و اسناد و مدارک، با استفاده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان نیز می‌تواند به گردآوری اطلاعات مفیدی پردازد که به توصیف بیشتر از جامعه‌ی هدف منجر

1. Participant Observation.
2. Gans.
3. Interview.

می‌شود. «مصاحبه را گفت و گوی هدفمند نیز می‌نامند بدان معنی که پژوهشگر با هدف کسب اطلاعات درباره‌ی موضوعی خاص با مصاحبه‌شونده صحبت می‌کند. این کار ممکن است به ظاهر ساده به نظر برسد، اما در اصل بسیار پیچیده و دارای تنوع فراوان است.» (خنیفر، ۱۳۹۶، ص. ۳۸)

در مورد ساختار این مصاحبات باید بیان کرد که برای گرفتن نتیجه مطلوب در پایان کار، با توجه به این‌که تمامی مصاحبه‌ها در یک نمونه با هم مقایسه و نتیجه‌گیری خواهند شد، به سراغ مصاحبه‌ی ساختاریافته^۱ رفتیم. این نوع مصاحبه برنامه‌ریزی شده بوده و شامل فهرستی از سؤالاتی است که با ترتیب و واژه‌پردازی یکسان تکرار شده‌اند.

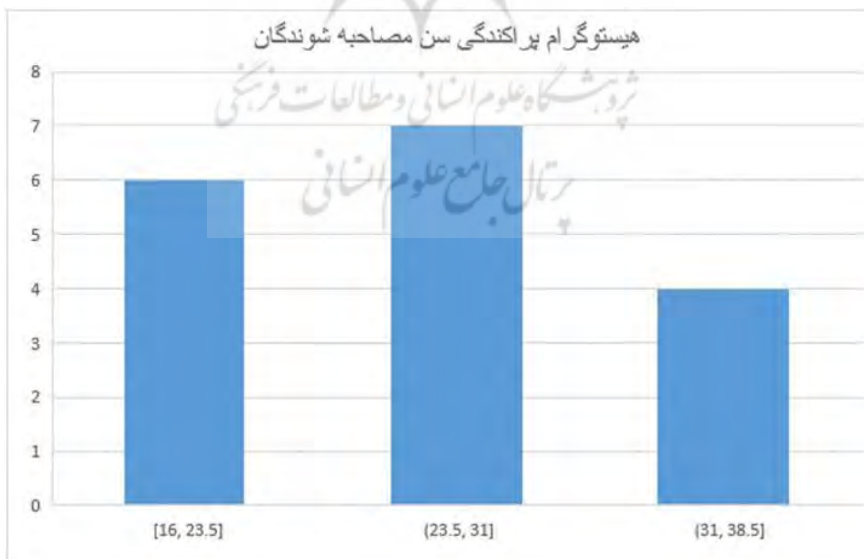
یافته‌های تحقیق

۱- در این پژوهش ما به ۱۷ نفر از کسانی که دچار آفت تفرج و نگاه حرام در فضای مجازی داشتند مصاحبه کردیم. پراکندگی شغل افراد مورد مصاحبه شونده قابل توجه است، یعنی دارای چینی‌های هستند که از یک طیف خاص جامعه نبوده و تقریباً هر کدام کسوتی جداگانه دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شماره مصاحبه	شغل	تحصیلات
مصاحبه شماره ۷ا	سوپر مارکت	فوق دیپلم / دیپلم
مصاحبه شماره ۲	مهندس نرم افزار	لیسانس
مصاحبه شماره ۳	لوازم یدکی	دیپلم
مصاحبه شماره ۴	محصل	دیپلم
مصاحبه شماره ۵	آزاد	اول راهنمایی
مصاحبه شماره ۶	دانشجوی پزشکی	ترم ششم
مصاحبه شماره ۸	نجار	دیپلم
مصاحبه شماره ۹	گیمر	دیپلم
مصاحبه شماره ۱۰	آرایشگر	سیکل
مصاحبه شماره ۱۱	دانشجو	لیسانس
مصاحبه شماره ۱۲ و ۱۶	خیاط	سیکل / سیکل
مصاحبه شماره ۱۳	گرافیکست	فوق لیسانس
مصاحبه شماره ۱۴	سرباز	دیپلم
مصاحبه شماره ۱۵	بدنساز / صاحب فروشگاه	دیپلم
مصاحبه شماره ۱۷	مغازه لباس زیر مردانه	دیپلم

- سن پاسخگویان



گزارش یافته‌های میدانی

بطور تصادفی مصاحبه‌های میدانی از برخی کاربران جوان ایرانی که در فضای مجازی حضور داشتند و روزانه ساعتی را صرف این فضا می‌کردند گرفته شد. بخاطر موضوع خاص مصاحبه (هدف از نگاه حرام در فضای مجازی)، مصاحبه شونده باید علاوه بر حضور در فضای مجازی، از کسانی باشد که نگاه حرام به عکس و فیلم‌های موجود در این فضا داشته باشد؛ از این رو یافتن کسانی که صادقانه به چنین اموری اعتراف کند و علت‌های درونی‌اش را بیان کند کار را دشوار کرد. همچنین سعی شد این افراد به طور تقسیم شده از میان افراد مجرد و متاهل، محصل و دانشجو، و از میان شغل‌های مختلف انتخاب شوند تا به نتایجی متفاوت‌تر از هم دست پیدا کنیم.

با جستجو و یافتن تنی چند از کاربران جامعه‌ی هدف، و ایجاد ارتباط لازم و توجیه آنان برای انجام سوال و جواب دوستانه، پس از ثبت پاسخ‌های مصاحبه شونده‌گان، ابتدا کدگذاری اولیه، کدگذاری ثانویه و در نهایت تحلیل نهایی انجام شد و سپس به جوابهایی برای سوال فرعی مورد نظر دست یافتیم.

همان طور که اشاره کردیم، ما در این تحقیق بدنبال اصول و سازوکارهای حلال‌بینی رسانه‌ای در فضای مجازی هستیم. برای یافتن اصول، از اصول مندرج در جلد اول کتاب دکتر طه عبدالرحمن استفاده کردیم. اما برای یافتن و ارائه‌ی سازوکار عملی به کاربران جوان فضای مجازی در جامعه مراجعه کرده و بدنبال یافتن جواب برای این سوال، در ضمن سوال‌های دیگر پرداختیم:

اهداف و انگیزه‌های کاربر جوان ایرانی در فضای مجازی از حرام‌بینی چیست؟

برخی کاربران این نوع نگاه را امری شخصی می‌دانستند و معتقد هستند که چون متاهل هستند این نوع نگاه‌ها برای آنها مشکلی پیش نخواهد آورد (مصاحبه ۱). یعنی این دسته از افراد، اینکه متاهل هستند را دلیلی قانع‌کننده برای دیدن هر نوع محتوایی می‌دانند.

* موسوی، نصاب دوربین مداربسته و برقکار، ۳۲ ساله، مدرک فوق دیپلم و متاهل می‌گوید:

وقتی به اینجور محتواهای غیراخلاقی برخورد می‌کنم معمولا نگاه می‌کنم مخصوصا اگر طنز باشد، ولی دنبال نمی‌کنم و پیگیر نیستم. فقط صفحه فیلم و کلیپی که آمده را نگاه می‌کنم. من شرایطم فرق می‌کند، کاملا شخصی است این قضیه، و چون متاهل هستم (نگاه کردن این‌ها برایم مشکلی پیش نمی‌آورد).

عده‌ای دیگر از کاربران برای سرگرمی و گذراندن وقت و رفع بیکاری سراغ این نوع محتواها می‌روند. (مصاحبه ۲ و ۳ و ۸ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷). مثلا وقتی فرد مورد نظر از سر کار می‌آید یا در بین کارهای روزمره به گشت و گزار در فضای مجازی می‌پردازد، دنبال این است که خود را سرگرم کند یا لااقل این وقتی را که پیش رو دارد به نحوی بگذراند. در این بین وقتی به محتوای غیراخلاقی برخورد می‌کند، به سمت آن کشیده می‌شود و آنها را تماشا می‌کند.

* جواد، فروشنده‌ی لوازم یدکی خودرو، ۲۶ ساله، مدرک دیپلم و مجرد اینگونه می‌گوید:

وقتی به محتوای غیراخلاقی نگاه می‌کنم راحت نگاه می‌کنم بینم چجوریه، چه فیلمیه، چه عکسیه، چه خبریه، دنبالش می‌کنم، بخوام نگاه کنم نگاه می‌کنم، علتش هم اینه: اول بیکاری (رفع بیکاری)، دوم سرگرم شدن (سرگرمی). یعنی سرگرم بشم و وقتم را بگذرونم، همین. (یعنی برایت اهمیت ندارد که محتوایش چه باشد؟) نه نه اهمیت نداره، سرگرم می‌کنم خودم را.

* لطیفه محمدی، گرافیک و طراح، ۳۰ ساله، مدرک فوق لیسانس و متاهل می‌گوید:

صد در صد در اینترنت به محتوای غیراخلاقی برخورد داشته‌ام، و خیلی وقتاً شده که دنبالش کردم، برای کنجکاوی و اینکه بینم چطوری است، آن صفحه یا سایت را دنبال کردم آنهم بخاطر کنجکاوی و فضولی و بیکاری (رفع بیکاری)، یعنی هیچ هدف خاصی پشتش نیست.

برخی کاربران نیز این نوع نگاه را ناشی از وسوسه شدن و تحریک حسی درونی می‌دانند (مصاحبه ۴ و ۷ و ۱۶). وسوسه شدن عامل دیگری است که برخی از کاربران فضای مجازی به آن اشاره داشتند. به گفته‌ی کاربران، وقتی آن‌ها در فضای مجازی با این نوع محتوا مواجه می‌شوند، و یا با توضیحاتی در مورد یک فیلم یا عکس غیراخلاقی که در اینترنت پخش شده است روبرو می‌شوند، بشدت وسوسه شده و آن را دنبال می‌کنند.

* ارکیده، محصل و ۱۶ ساله، سیکل و مجرد می‌گوید:

معمولاً اینا چیزای جذابی هستند و بیشتر وقت‌ها نگاه می‌کنم، هفتاد درصد آنها را نگاه می‌کنم. وسوسه می‌شم (وسوسه شدن)، یک چیزی در وجودم مور مور می‌کند که برو نگاه کن، و معمولاً یک عکسی چیزی جلوی آن می‌گذارند که آدم جذب می‌کند، مخصوصاً آدمم وقتایی که نت مجانی دارد دیگر می‌رود نگاه می‌کند. تا جایی که نت کفاف دهد و باشد، مخصوصاً با یک شرایط بهتر که نت رایگان باشد مسلماً پیش می‌روم و محدودیتی ندارم.

بخشی از مصاحبه شوندگان نیز هدف خود را از حرام بینی علاقه داشتن به این نوع محتواها می‌دانند و معتقدند این نوع تصاویر و فیلمها برایشان لذت آور است (مصاحبه ۵ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۶). با توجه به اینکه کاربران جامعه‌ی هدف جوان بوده و در سنینی هستند که این نوع محتوا می‌تواند برایشان جذابیت و لذت خاصی داشته باشد، لذا برخی از آن‌ها علت تماشای این نوع محتواها را لذت آور بودن

دانسته‌اند، یعنی از آنجایی که بدنبال برآورده کردن لذت درونی خود بوده، با برخورد به عکس و فیلم غیراخلاقی، آن را از دست نخواهند داد.

* سیاوش، گیمر، ۲۳ ساله و مجرد اینگونه می‌گوید:

برخورد داشتم دیگه، مثل تبلیغ‌هایی که بعضی وقتا باز می‌کنید، یک چیزهای مستهجن می‌آید. ولی خوب بی تفاوت رد می‌شم. اگر بخوام ببینم می‌بینم، ینی چشمم می‌خوره نگه می‌کنم ولی کنجکاوش نیستم و ادامه نمی‌دم چون معمولا دارم یا بازی می‌کنم یا کار دیگه. علتش هم اینه که آدم هستم و خوشم میاد. (لذت آور بودن) گروهی دیگه از کاربران علت این امر را صرف کنجکاوی برای دیدن انتهای فیلم عنوان می‌کنند (مصاحبه ۶ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳). این دسته معتقدند که بدنبال برآورده کردن لذت نیستند، بلکه وقتی به چنین محتوایی برخورد می‌کنند یا عناوینی که برای این خبر، عکس یا فیلم در نظر گرفته شده را می‌خوانند، و یا به مطلبی غیراخلاقی که توسط بسیاری از مخاطبین دیده شده مواجه می‌شوند کنجکاو شده و آن را دنبال می‌کنند تا این حس کنجکاوی خود را ارضا نمایند.

* میثم، دانشجوی پزشکی، ۲۲ ساله و مجرد، اینگونه می‌گوید:

هنگام برخورد با اینجور چیزها نگاه می‌کنم تا آخرش، اونو می‌بینم و می‌رم سراغ کلیپ‌ها بعدیش. به این خاطر که می‌بینم بیننده‌ی زیادی داشته، مثلا این چیز غیراخلاقی یک میلیون بیننده داشته، منم کنجکاو می‌شم (صرف کنجکاوی) و دنبالش می‌کنم. از طرف دیگه هم بنخاطر غریزه‌ای که دارم می‌روم نگاش می‌کنم.

نتیجه گیری

حال بجاست که به سوال مورد بحث خود بازگردیم و پرسیم که چه راهکاری برای حلال بینی در فضای مجازی وجود دارد؟

چون عامل اصلی برای حرام بینی همان وسوسه ای است که مورد بحث قرار گرفت، برای حلال بینی باید از این وسوسه جلوگیری کرد، یعنی باید جلوی آنچه باعث ایجاد انگیزه در حرام بینی است را گرفت، یعنی جلوگیری از ایجاد وسوسه. لذاست که خداوند می فرماید «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»^۱ «هر لحظه امکان انحراف برای انسان وجود دارد. با اینکه پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به لطف الهی و با امدادهای غیبی، و سپردن خویشتن به خدا از هر گونه انحراف بیمه شده بود ولی با این حال این آیات را می خواند، و به خدا از شر وسواسان خناس پناه می برد با این حال تکلیف دیگران روشن است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص. ۴۷۴، ج ۲۷)

در واقع راهکار اصلی در اینجا پناه بردن به خداست، نه اینکه فقط صرفاً به زبان بگوییم «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» بلکه مثلاً پناه ببریم به خدا از اینکه انسان بیکاری باشیم، چراکه بیکاری شکل عینیت یافته ی پناه نبردن به خداست، ... پناه ببریم به خدا از اینکه بطور مطلق دنبال لذت طلبی باشیم، چرا که لذت طلبی یک ویژگی فطری ماست که خدا آن را در نهاد ما قرار داده است و باید از این ویژگی درست استفاده شده و به آن جهت دهی صحیح شود و در غیر اینصورت در راه غیر حلال صرف خواهد شد. ... پناه ببریم به خدا از اینکه حس کنجکاوی را در مسیر غیردرست آن استفاده کرده و درگیر هر موضوعی بنمائیم.

در این صورت است که انسان کاربر به مقام شاهد بودن رسیده و با عنایت به اینکه خدا همیشه شاهد است و ناظر، در موقعیت‌هایی که در برابر محتوای حرام قرار می‌گیرد، براحتی خود را حفظ کرده و نگاهش را حفظ می‌کند.



فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آقاجانی، طیبه. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر سواد رسانه‌ای بر آسیب‌های فضای مجازی (پایان نامه). تهران: دانشگاه خوارزمی.
۲. جلالی، علی. اکبر. (۱۳۸۹). پاییز. نظارت همگانی عامل پیشگیری جرایم در فضای مجازی. کارآگاه، ص. ۳۰-۶.
۳. جلالی فراهانی، امیرحسین. (۱۳۸۷). پاییز. پیشگیری اجتماعی از جرایم سایبری، راهکاری اصلی برای نهادینه سازی اخلاق سایبری. ره آورد نور، ص. ۱۰-۱۹.
۴. جهانشاهی، محدثه. (۱۳۹۷). پاییز و زمستان. اثربخشی آموزش حیا بر کاهش اعتیاد به اینترنت و رفتارهای پرخطر. مطالعات اسلام و روانشناسی، ص. ۱-۲۱.
۵. خنیفر، حسین. (۱۳۹۶). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی جلد اول. تهران: نگاه دانش.
۶. سواری، کریم. (۱۳۹۵). بهار. اثربخشی آموزش مهارت خودآگاهی در کاهش اعتیاد به اینترنت، احساس تنهایی و افزایش خودکارآمدی شماره ۲۲. مطالعات روانشناسی بالینی، ص. ۱۶۳-۱۷۹.
۷. شرف‌الدین، سید حسین. (۱۳۹۳). پاییز. ارتباط عقیفانه در شبکه‌های اجتماعی سایبری. مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ص. ۷-۳۶.
۸. عابدینی، زین العابدین. (۱۳۸۸). زمستان. جرم در فضای مجازی، ضرورت آینده پژوهی. کارآگاه، ص. ۱۴۴-۱۵۶.
۹. عبدالرحمن، طه. (۲۰۱۷). دین الحیاء، من الفقه الائتماری الی الفقه الائتمانی ۲. بیروت: مؤسسة العربية للفکر و الابداع.
۱۰. عبدالرحمن، طه. (۲۰۱۷). دین الحیاء، من الفقه الائتماری الی الفقیه الائتمانی ۱. بیروت: مؤسسة العربية للفکر و الابداع.
۱۱. علم‌الهدی، سید. عبدالرسول. (۱۳۹۱). ارتباط عقیفانه در سینما و تلویزیون. تهران: دانشگاه امام صادق ع.

۱۲. علمداری، علی. (تابستان ۱۳۸۹). پیشگیری در جرایم سایبری. مطالعات بین المللی پلیس، ۷۳-۹۱.
۱۳. فجری، علی. (۱۳۹۶، زمستان). راهکارهای صیانت از خانواده در برابر آسیبهای فضای مجازی. اخلاق، ص. ۶۱-۸۴.
۱۴. کوشا، غلامحسین. (بهار، ۱۳۹۱). اخلاق دینی و تعامل سایبری. معرفت اخلاقی، ص. ۱۱۷-۱۴۲.
۱۵. گروه مولفان. (۱۳۹۶). حقیقت مجازی. تهران: مرکز ملی فضای مجازی.
۱۶. لافی، دن. (۱۳۹۴). درآمدی بر نظریه رسانه‌ها. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
۱۷. لیندلف، تام، و تیلور، تامس. (۱۳۹۲). روشهای تحقیق کیفی در علوم ارتباطات. (ع. گیویان، مترجم) تهران: همشهری.
۱۸. محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). منطق و طرح در روش شناسی کیفی (جلد اول). تهران: جامعه شناسان.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه ج ۲۷. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. میرخندان، سید. حسین. (۱۳۹۰، تابستان). فقه نگاه به رسانه‌ی جمعی تصویری. دین و رسانه، ص. ۳۹-۶۳.
۲۱. نائب‌پور، علی. (تابستان ۱۳۹۵). تبیین نقش آموزش مبتنی بر تعلیم و تربیت اسلامی در پیشگیری از آسیب‌های فردی-روانی فضای سایبری. پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۹-۳۶.